

به نام خدا

رها

(رمان)

نازنین فاطمه حمشیدی



سرشناسه : جمشیدی، نازنین، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : رها : (رمان) / نازنین جمشیدی.
 مشخصات نشر : تهران: نگار و نیما (نگیما)، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۴۲۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۸-۸۳-۰
 موضوع : داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ر ۹۵۸۱۳/م ۸۰۱۱/PIR
 رده بندی دبیری : ۸۵۳/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۱۹۴۸



تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۱۱۴۵

تلفکس: ۶۶۹۲۸۳۱۶

www.negima.ir

Email: info@negima.ir

رها

نازنین فاطمه جمشیدی

طرح جلد: امیر حسین آذر

چاپ اول : ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۸-۸۳-۰

فراموش مکن!
تا باران نباشد رنگین کمان نیست.
تا تلخی نباشد شیرینی نیست.
و گاهی همین دشواری‌هاست که از ما انسانی نیرومندتر و
شایسته‌تر می‌سازد
خواهی دید، خواهی دید خورشید بار دیگر درخشیدن آغاز
می‌کند...

این کتاب تقدیم به عزیزترین موجود زندگی‌ام
که همانند مریم مقدس، پاک و زلال و بی ریاست

چگونه تو را بخوانم؟

مریم نازنینم کاش می‌دانستم چگونه از تو بنویسم؛ تو که عزیزترین موجود
زندگی‌ام هستی!

تو که در تمامی لحظات مرا حمایت کردی!

مریم بی‌ریای من! کاش می‌دانستی در این لحظات، بزرگترین آرزوی من این است
که بدانم رازهای خود را در میان کدامین اطلسی پنهان کرده‌ای، شاید این
اطلسی‌ها یاریم می‌کردند تا از تو بنویسم.

مریم بی‌قرار من! کاش حداقل می‌گفتی کدامین گل، عطر نفس‌های تو را تداعی
می‌کند تا حداقل آن گل، معصومانه به دادم می‌رسید.

مریم عزیزم! من نمی‌توانم سخاوت دستان تو را به دریا تشبیه کنم، زیرا دریا را با
آن همه عظمت، لایق نمی‌بینم.

من قادر نیستم برای توصیف استقامت از کوه مدد گیرم، چون کوه هم در برابر
استقامت تو کم می‌آورد.

من نمی‌خواهم به خاطر مهربانیت را به یک فرشته تشبیه کنم، چون تو آنقدر
خوبی که فرشته‌ها هم به تو تعظیم می‌کنند. حتی پروردگار عالم هم از تو به
بهترین نحو ممکن یاد می‌کند.

پس مریم گلم! به من بگو وقتی بهشت زیر پای توست، کدامین گل لایق قدم‌های
تو می‌باشد؟ چگونه تو را تشبیه کنم که معصومیت چشمانت، سخاوت دستانت و
استقامت بی‌پایانت باشد.

مادر عزیزم! مریم نازنین، چگونه از تو بنویسم چگونه تو را بخوانم؟

با تقدیر و سپاس بی پایان از پدر بزرگوارم
که آرامش نگاهش امنیت خاطری است برای دلوایسی هایم
دعای خیرش ضمانتی است برای نیک بختی ام
قلب پر مهرش مایه ای است برای دلتنگی هایم
و محبت های بی شائبه اش تکیه گاهی است برای سعادت مندی ام....

"در زندگی هر مرد یا زنی زمانی فرا می‌رسد که به تلاش فوق العاده‌ای نیاز است.

زمانی که هر دری را زده و نتیجه نگرفته‌ایم.

زمانی که زندگی طالعمانه به نظر می‌رسد.

زمانی که هر چه ایمان، ارزش، محبت، گذشت و پشتکار داشته صرف کرده‌ایم و حتی از حد خود فراتر رفته‌ایم.

بعضی از مردم چنین شرایطی را فرصتی می‌دانند تا توانایی‌های خود را بهتر سازند و خود را محک ببرند.

بعضی ها هم اجازه می‌دهند که این تجربیات تلخ آنها را نابود سازد.

هرگز فکر کرده اید که چرا افراد مختلف در برابر دشواری‌های زندگی عکس العمل‌های گوناگون از خود بروز می‌دهند؟ "

«آنتونی رابینز»